



Feasibility Study of Implementing the Non-Molestation Orders against Domestic Violence in Iran's Criminal Policy: A Comparative Approach to the Common Law System

ARTICLE INFO

DOI: 10.48311/CLR.29.2.3

Article Type

Research Article

Authors:

¹ Azim Aghababaei Taghanaki* 
ORCID: <https://0000000205283690>

² Mohammad Ja'far Habibzadeh 
ORCID: <https://0000000272759249>

³ Esmail Masoudi 
ORCID: <https://0009000257171217>

⁴ Mahdiah Mohammad Taghizadeh 
ORCID: <https://0000000319369361>

Affiliation:

¹ Judge and Ph. D. Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

² Ph Professor in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

³ Master's Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

⁴ Assistant Professor in Women's Studies, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Correspondence:*

Email:

aghababaei.azim@modares.ac.ir

Article History:

Received: 2025/01/07

Accepted: 2025/04/22

Abstract

The harms resulting from crimes committed within the family, particularly domestic violence, is one of the most significant social and legal challenges worldwide. By threatening the institution of the family, such violence leaves irreparable consequences, especially for women and children. Criminal policymakers in various countries have sought to reduce these crimes and protect victims by developing and implementing non-molestation orders. Despite the existence of laws such as the Family Protection Law and the Islamic Penal Code in Iran, the current criminal policy regarding the protection of victims of crimes and domestic violence seems ineffective. This descriptive-analytical article, after examining concepts such as preventive justice, civil preventive orders, and non-molestation orders, explores the relevant legal provisions in the United Kingdom, the mechanisms for issuing these orders, policy foundations, and their implications. The findings of this research indicate that designing and implementing more comprehensive laws, increasing public awareness, allocating more financial and human resources, and strengthening support and rehabilitation mechanisms, along with implementing non-molestation orders after addressing their shortcomings, can significantly contribute to reducing domestic violence and improving the effectiveness of Iran's criminal policy.

Keywords: Domestic Violence, Non-Molestation Order, Criminal Policy, Civil Preventive Orders, Preventive Justice





امکان‌سنجی کاربست دستور منع آزار در برابر خشونت‌های خانگی در سیاست جنایی ایران: رویکرد تطبیقی به نظام کامن‌لا

عظیم آقابابائی طاقانکی^{۱*}، محمدجعفر حبیب‌زاده^۲، اسماعیل مسعودی^۳،

مهديه محمدتقی‌زاده^۴

۱. قاضی دادگستری و دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه

تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس،

تهران، ایران

۴. استادیار گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸

چکیده

آسیب‌های ناشی از جرایم ارتکابیافته در بستر خانواده، به‌خصوص خشونت‌های خانگی یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی و حقوقی در سراسر جهان است که با تهدید نهاد خانواده، پیامدهای جبران‌ناپذیری بر افراد، به ویژه زنان و کودکان، برجای می‌گذارد. سیاست‌گذاران جنایی در کشورهای مختلف با تدوین و کاربست دستور منع آزار سعی در کاهش این جرایم و حمایت از قربانیان داشته‌اند. علی‌رغم وجود قوانینی همچون قانون حمایت خانواده و قانون مجازات اسلامی در ایران، به نظر

E-mail: aghababaei.azim@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



کپی‌رایت © ۲۰۲۵، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس (TMU Press). این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد منتشر شده و تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 قرار دارد. بر اساس این مجوز، شما می‌توانید این مطلب را در هر قالب و رسانه‌ای کپی، بازنشر و بازآفرینی کنید و یا آن را ویرایش و بازسازی نمایید، به شرط آنکه نام نویسنده را ذکر کرده و از آن برای مقاصد غیرتجاری استفاده کنید.



می‌رسد سیاست جنایی موجود در قبال حمایت از قربانیان جرایم و خشونت‌های خانگی ناکارآمد است. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی پس از بررسی مفاهیمی همچون عدالت پیش‌گیرنده، دستورات پیش‌گیرنده‌ی مدنی و دستور منع آزار، به بررسی مواد قانونی مربوطه در کشور بریتانیا، سازوکارهای صدور این دستورات، مبانی سیاست‌گذاری و پیامدهای این دستورات می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که طراحی و اجرای قوانین جامع‌تر، افزایش آگاهی عمومی، افزایش منابع مالی و انسانی و تقویت سازوکارهای حمایتی و بازتوانی در کنار کاربست دستورات منع آزار پس از آسیب‌زدایی از آن‌ها، می‌توانند به طور مؤثری در کاهش خشونت خانگی و بهبود کارآمدی سیاست جنایی ایران تأثیرگذار باشند.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی، دستور عدم آزار، سیاست جنایی، دستورات پیش‌گیرنده مدنی، عدالت پیش‌گیرنده

۱. مقدمه

هرچند خانواده را نمی‌توان یک شخصیت حقوقی مستقل پنداشت، اما این نهاد منشأ اصلی شکل‌گیری بسیاری از اقدامات حقوقی و کیفری در نظام حقوقی هر کشوری است (دادمرزی، ۱۳۹۴: ۱). زمانی که یک خانواده به مشکل برمی‌خورد، پرونده‌های متعدد حقوقی و کیفری تشکیل می‌شود. فروپاشی نهاد خانواده تأثیر بسیار زیادی بر روان زوجین و فرزندان خواهد داشت (Barry & Liddon, 2020: 57). این موضوع زمانی که زوجین بخواهند به منظور دستیابی به اهداف خود اقدام به ابزارگرایی نامشروع نمایند، تشدید خواهد شد. به عنوان مثال، ممکن است هر یک از اعضای خانواده اقدام به ارتکاب رفتاری علیه دیگری نمایند تا ایشان را تحت فشار قرار داده و به مقصود خود دست یابد. این رفتارها ممکن است حتی تحت شرایطی جرم هم محسوب شوند. با این حال، سیاست جنایی قضایی ایران در قبال چنین اقداماتی به دو علت ناکارآمد است؛ دلیل اول اینکه در خصوص چنین رفتارهایی دستگاه قضایی ضمن یک فرآیند رسیدگی کیفری اقدام به صدور حکم خواهد کرد. این فرآیند زمان‌بر خواهد بود و این در حالی است که به منظور پیش‌گیری از ایراد آسیب‌های جسمی یا روانی بیشتر نیاز به اقدام



فوری وجود دارد. دلیل دوم اینکه در بسیاری از موارد پرونده‌های تشکیل‌شده در دادسراها یا دادگاه‌ها به علت عدم کفایت ادله با قرار منع تعقیب یا حکم برائت مواجه می‌شوند و این امر می‌تواند موجب بیم تجربی بزهکار شود؛ مخصوصاً اینکه در فضای خانواده، بستر جمع‌آوری ادله‌ی اثبات دعوای کیفری فراهم نیست. فلذا به نظر می‌رسد اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه یا پیش‌گیرنده^۱ می‌تواند بسیار کارآمدتر جلوه کند. امروزه سیاست‌های جنایی خطرمدار، مسئله‌ی پیش‌گیری از بزه در قالب پاسخ‌های پیشینی را تجویز می‌کند (اکرمی و جلیلی، ۱۴۰۰: ۲۷).

در قانون برخی از کشورها از جمله بریتانیا به منظور پیش‌گیری از خشونت خانگی و همچنین ایراد آسیب‌های جسمی یا روحی یا روانی به اعضای خانواده، سیاست پیش‌گیرنده‌ی خاصی تحت عنوان «دستور منع آزار» یا «دستور منع مزاحمت»^۲ یا «دستور عدم آزار» تعریف شده است. این دستورات از زمره دستورات پیش‌گیرنده‌ی مدنی^۳ هستند (Ashworth & Zedner, 2014 [A]: 75) که با تلفیق سازوکارهای مدنی و کیفری به پیش‌گیری از بزه (اعم از جرم و انحراف) و از طریق مدیریت خطر^۴ می‌پردازد.

در سیاست جنایی تقنینی ایران -علی‌الخصوص قانون حمایت خانواده و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان- مقررات مشابه دستور منع آزار که به کنترل خشونت خانگی پیش از تحقق آن به صورت قهرآمیز بپردازد، مشاهده نمی‌شود. در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی در ماده‌ی ۶۱۹ در خصوص تعرض، مزاحمت یا توهین نسبت به اطفال و بانوان در اماکن و معابر عمومی مجازات در نظر گرفته شده است، لیکن این مقرره مربوط به مرحله‌ی پس از ارتکاب جرم است و همچنین در کنترل خشونت خانگی ناکارآمد است. در ماده‌ی ۶۲۲ کتاب پنجم تعزیرات قانون مجازات اسلامی نیز مقرره‌ای مربوط به سقط جنین ناشی از آزار و اذیت

۱. در برخی پژوهش‌های انجام شده، بین تدابیر پیش‌گیرانه و پیش‌گیرنده تفکیک قائل شده‌اند. در این پژوهش‌ها تدابیر پیش‌گیرنده به تدابیری اطلاق می‌شود که مربوط به مرحله‌ی پیش از ارتکاب جرم بوده و خصیصه‌ی تنبیهی و قهرآمیز دارند (اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۲۹۸)، اما تدابیر پیش‌گیرانه خیر. در این پژوهش نیز به منظور تفکیک این دو دسته از تدابیر از همین واژگان استفاده خواهد شد.

2. Non-Molestation Orders

3. Civil Preventive Orders (CPO)

4. Risk Management



بانوان وجود دارد، اما این مقرره نیز مربوط به مرحله‌ی پس از ارتکاب جرم است. هرچند قانون حمایت خانواده خالی از مقررات پیش‌گیرانه از خشونت‌های خانگی است، با این حال در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان رگه‌هایی از این مقررات به چشم می‌خورد. به موجب بند الف ماده‌ی ۵ این قانون، به منظور مداخله فوری قضایی به جهت پیش‌گیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در معرض خطر شدید و قریب‌الوقوع و یا جلوگیری از ورود آسیب بیشتر به آنان، در هر حوزه‌ی قضایی باید تشکیلات مناسب تحت نظر دادستان ایجاد شود. به موجب ماده‌ی ۶ این قانون، نهادهایی همانند سازمان بهزیستی کشور، نیروی انتظامی و برخی نهادهای دیگر مکلف هستند که در راستای هدف فوق‌الذکر با دستگاه‌های مختلف همکاری‌های لازم با مبذول دارند. این قانون محدودیت‌ها و سازوکارهای نظارتی مبنی بر پیش‌گیری از خشونت علیه اطفال و نوجوانان در بستر خانواده را مشخص نکرده است. در ماده‌ی ۱۰ این قانون در خصوص برخی از اقسام خشونت‌های جنسی علیه اطفال و نوجوانان جرم‌انگاری صورت گرفته است؛ لیکن تنها اثر پیش‌گیرانه‌ی جرم‌انگاری اخیرالذکر را صرفاً می‌توان پیش‌گیری از تکرار جرم دانست.

با توجه به ناکارآمدی سیاست جنایی فعلی ایران در قبال بزه‌های واقع شده توسط اعضای خانواده‌ها در قبال یکدیگر، می‌توان دستورات عدم مزاحمت را به عنوان یکی از راه‌حل‌های موضوع مورد بررسی قرار داد.

هدف این پژوهش بررسی امکان‌سنجی کاربرست این خط‌مشی در سیاست جنایی ایران است. بدین منظور در این پژوهش ابتدا به بررسی مفهوم دستور پیش‌گیرنده‌ی مدنی، مفهوم دستور منع آزار، مبانی دستورات پیش‌گیرنده‌ی مدنی و پیامدهای کاربرست خط‌مشی مربوط به دستور منع آزار خواهیم پرداخت. همچنین در این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که پیامدهای مثبت و منفی ناشی از کاربرست دستور منع آزار در سیاست جنایی ایران چیست؟

در خصوص دستور منع آزار در کشور ایران پژوهشی انجام نشده است. صرفاً در خصوص دستورات پیش‌گیرنده‌ی مدنی چند پژوهش به چشم می‌خورد:



آقابابائی طاقانکی و دیگران (۱۴۰۴) در پژوهش «دستورات پیش‌گیرنده‌ی مدنی در سیاست جنایی کامن‌لا؛ تأملی در حقوق ایران» به بررسی مفهوم دستور پیش‌گیرنده‌ی مدنی، تاریخچه‌ی آن، مبانی شکل‌گیری و پیامدهای آن پرداخته‌اند.

اسماعیلی (۱۳۹۶) در پژوهش خود به نام «عدالت پیش‌گیرنده: مهار جرم در بستر نظام حقوقی» یکی از مصادیق مکتب عدالت پیش‌گیرنده را دستورات پیش‌گیرنده‌ی مدنی معرفی کرده است. در این پژوهش به صورت خاص و موردی به دستور منع آزار پرداخته نشده است.

جین سندال^۵ (۲۰۱۴) در مقاله‌ی «حمایت تحت قانون خانواده ۱۹۹۶: دستورات عدم آزار» به بررسی دستورات منع آزار در قانون خانواده ۱۹۹۶ در انگلستان می‌پردازد. در این پژوهش هدف از این دستورات، روند درخواست و اشخاص مرتبط با آن‌ها را توضیح می‌دهد. این پژوهش در خصوص این دستورات در سایر کشورها ساکت است.

جین استوئور^۶ (۲۰۱۴) در مقاله‌ی «منع دائمی خشونت: دلیلی برای صدور دستورات محافظتی نامحدود در برابر خشونت خانگی» به بررسی امکان صدور دستورهای حفاظت دائمی در برابر خشونت‌های خانگی می‌پردازد و در نهایت پیشنهاد می‌کند که این نوع دستورها، با توجه به ویژگی‌های ماندگار آسیب‌های خشونت خانگی و نیاز به محافظت بلندمدت از قربانیان، ضروری است.

مندی برتون^۷ (۲۰۰۹) در مقاله‌ی «راهکارهای حقوقی مدنی برای مقابله با خشونت خانگی: دلایل کاهش درخواست برای صدور دستور منع آزار چیست؟» به بررسی علل کاهش درخواست‌های صدور این دستورات در کشورهای ولز و انگلستان می‌پردازد؛ لیکن تحلیل تطبیقی ارائه نمی‌دهد.

کانلی و کاوانا^۸ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «خشونت خانگی، دستورات حفاظتی مدنی

5. Jane Sendall

6. Jane K. Stoeve

7. Mandy Burton

8. Clare Connelly & Kate Cavanagh



و «جنايات‌شناسی جديد»: آیا ارزش آن را دارد که با قانون تعامل کنیم؟» به بررسی نقاط قوت دستورات حفاظتی مدنی و برخی از توضیحات برای ضعف‌های این دستورات در کنار این سوال که آیا ارزش آن را دارد که زنان همچنان برای مقابله با خشونت خانگی به قانون متوسل شوند، می‌پردازد.

پژوهش‌های انجام‌شده در ایران به صورت کلی دستورات پیش‌گیرنده‌ی مدنی را مورد بررسی قرار داده‌اند و این در حالی است که هر یک شرایط و اقتضائات خاص خود را دارد. بنابراین شکاف تحقیقاتی موجود در تحقیقات انجام‌شده در ایران، عدم بررسی موشکافانه و ریزبینانه هر یک از اقسام دستورات پیش‌گیرنده‌ی مدنی و بررسی مزایا و معایب هر یک در بستر شرایط و اقتضائات خاص خود است.

۲. از عدالت پیش‌گیرنده تا دستور منع آزار

در این قسمت از پژوهش به منظور تبیین ادبیات پژوهش به بررسی مفاهیم عدالت پیش‌گیرنده، دستور پیش‌گیرنده‌ی مدنی و دستور عدم آزار خواهیم پرداخت.

۲-۱) عدالت پیش‌گیرنده

عدالت پیش‌گیرنده یکی از پارادایم‌هایی است که دستیابی به هدف کنترل جرم از طریق پیش‌گیری تنبیهی نسبت به اشخاص مشکوک یا در معرض ارتکاب جرم را توجیه می‌کند. این پارادایم به عنوان یک حوزه‌ی علمی در اثر توسعه‌ی اقدامات پیش‌گیرانه در اواخر قرن بیستم و تهدیدی که اقدامات پیش‌گیرانه برای آزادی‌های فردی ایجاد می‌کند، پدیدار شد (Tulich et al., 2021: 221). این تدابیر به جای پیش‌گیری عام بر پیش‌گیری فردی تمرکز دارند (Slobogin, 2023: 36) و بر مبنای تکلیف دولت در حمایت و حفاظت از شهروندان متمرکز است (Hulme, 2021: 95). امروزه در حقوق کشورهای مختلف به منظور مهار حالات خطرناک و پیش‌گیری مستقیم از بزه (اعم از جرم و انحراف)، تدابیر پیش‌گیرنده‌ی قهرآمیز ذیل پارادایم عدالت پیش‌گیرنده مورد استفاده قرار می‌گیرد (اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۲۹۷؛ Ogg, 2015: 30).



عدالت پیش‌گیرنده به معنی استفاده از حقوق کیفری و تدابیر قهرآمیز در قالب پیش‌گیری مستقیم از جرم است (Ashworth et al., 2013: 1). در واقع عدالت پیش‌گیرنده به منظور پیش‌گیری از خطر ایراد آسیب، تدابیر پیش‌گیرنده را با تلفیقی از چاشنی زور و محرومیت از برخی حقوق و آزادی‌ها بر شخص بار می‌کند (Ashworth & Zedner, 2014 [B]: 1).

وجه تشابه تدابیر مربوط به عدالت پیش‌گیرنده با پیش‌گیری از جرم در این است که هر دو مربوط به مرحله‌ی پیش از ارتکاب جرم هستند و وجه تمایز آن‌ها در این است که برخلاف تدابیر مربوط به پیش‌گیری از جرم که باید جمعی و غیرقهرآمیز باشند (ابراهیمی، ۱۴۰۳: ۴۸)، تدابیر عدالت پیش‌گیرنده قهرآمیز بوده و می‌توانند به صورت جمعی یا فردی نسبت به شخص در معرض ارتکاب جرم اعمال گردند.

در واقع رهیافت عدالت پیش‌گیرنده خط‌مشی‌هایی را پوشش می‌دهد که به دولت اجازه می‌دهند به هر طریقی، کسانی که به طور منطقی مشکوک به ارتکاب جرم یا رفتار ضداجتماعی هستند یا در معرض تحریک دیگران به انجام این کار قرار دارند را با رفتارهای قهرآمیز و سرکوب‌گر کنترل کند (Matravers, 2013: 236). دستورات پیش‌گیرنده‌ی مدنی، یکی از اقسام مهم پارادایم عدالت پیش‌گیرنده محسوب می‌شوند.

۲-۲) دستور پیش‌گیرنده‌ی مدنی

پیرو مداخلات سرمایه‌داری نظارتی^۹ در سیاست جنایی کشورها، توجه و تمرکز بر مدیریت ریسک و کنترل رفتارهای ضداجتماعی از طریق تدابیر کنشی و قهرآمیز بیش از پیش مدنظر سیاست‌گذاران جنایی برخی از کشورها قرار گرفته است (Moss, 2004: 15). سیاست جنایی کشورهایمانند بریتانیا در راستای کنترل جرم، از طریق تلفیق رویه‌های مدنی و کیفری به کنترل رفتارهای ضداجتماعی و انحرافات می‌پردازند (Ferzan, 2014: 523; Ashworth & Zedner, 2012: 542). سیاست‌گذاران جنایی و جامعه‌شناسان کیفری، قسم خاصی از این



اقدامات و تدابیر را تحت عنوان دستورات پیش‌گیرنده‌ی مدنی نام‌گذاری و دسته‌بندی نموده‌اند. دستورات پیش‌گیرنده‌ی مدنی، سیاست جنایی شخصی^{۱۰} (Ashworth & Zedner, 2010: 74) و دو مرحله‌ای (Rodgers, 2023: 2; Ashworth & Zedner, 2012: 563) را ایجاد کرده‌اند که در مرحله‌ی اول تدابیر غیرقهرآمیز و در مرحله‌ی دوم قهرآمیز هستند (Methven & Carter, 2016: 228). دستور پیش‌گیرنده‌ی مدنی در ابتدا یک محدودیت مدنی را به شخص اعلام و در مرحله‌ی دوم در صورت تخطی از دستور صادره، مرتکب با ضمانت اجرای کیفری مواجه می‌شود (Ogg, 2015: 29). از زمره این دستورات در سیاست جنایی بریتانیا می‌توان به دستورات رفتارهای ضد اجتماعی^{۱۱} (Ashworth & Zedner, 2013: 62; Ramsay, 2012: 46) در قانون جرم و اختلال ۱۹۹۸^{۱۲}، دستور عدم مزاحمت^{۱۳} یا دستور عدم آزار در قانون حقوق خانواده ۱۹۹۶^{۱۴}، دستورات منع مصرف مسکر^{۱۵} (Ashworth & Zedner, 2014 [A]: 75) در قانون کاهش جرایم خشن ۲۰۰۶^{۱۶}، دستورات پیش‌گیری از جرایم سنگین^{۱۷} (Angus, 2016: 12) در قانون عدالت کیفری و مهاجرت ۲۰۰۸^{۱۸} و غیره اشاره نمود.

۲-۳) دستور منع آزار

دستورات منع آزار یا اذیت، ابزارهای قانونی هستند که برای محافظت از افراد در برابر آزار و اذیت یا خشونت در بستر خانواده، علی‌الخصوص در محیط خانگی طراحی شده‌اند (Stoever,

-
10. Personalized Criminal Policy
 11. Anti-Social Behavior Orders (ASBO)
 12. Crime and Disorder Act 1998
 13. Non-Molestation Orders
 14. Family Law Act 1996
 15. Drinking Banning Orders
 16. Violent Crime Reduction Act 2006
 17. Serious Crime Prevention Orders
 18. Criminal Justice and Immigration Act 2008



1016: 2014). در کشور انگلستان، این دستورات در قانون خانواده مصوب ۱۹۹۶^{۱۹} شده‌اند. در این قانون به تعریف و شرایط صدور دستورات عدم آزار، درخواست‌های فوری برای دستورات عدم آزار و شرایط لازم برای آن‌ها و همچنین مواردی که ممکن است بر اساس آن‌ها درخواست صدور دستورات عدم آزار شود، اشاره شده است. این دستورات فقط مربوط به بزه‌های بالفعل یا بالقوه در بستر خانواده هستند و در خصوص بزه‌های مربوط به سایر بسترها در بریتانیا از سازکارهای دیگر به شرح توضیح داده شده در فوق استفاده می‌شود.

این دستورات با هدف منع از آزار و اذیت یا خشونت خانگی، شخصی که مرتکب رفتارهای اخیرالذکر شده است را از ارتباط و تماس یا نزدیک شدن به بزه‌دیده منع می‌کند. بزه‌دیدگان می‌توانند از طریق دادگاه‌های خانواده درخواست صدور دستور منع آزار و اذیت نمایند. در ادامه به بررسی مهم‌ترین مواد قانونی در خصوص دستور منع آزار می‌پردازیم.

به موجب ماده‌ی (۱) ۴۲ قانون خانواده، دستور منع آزار به معنای دستوری است که حاوی یک یا هر دو شرط زیر است:

الف) حکمی که فرد متعهد را از هرگونه آزار و اذیت فیزیکی، روانی، جنسی یا مالی نسبت به فرد دیگری که با وی رابطه خانوادگی، زناشویی یا عاطفی دارد، منع می‌کند.

ب) حکمی که فرد متعهد را از هرگونه آزار و اذیت، سوء استفاده یا تهدید کودک مرتبط با وی منع می‌کند.

به موجب ماده‌ی (۲) ۴۲، در دو مورد دادگاه می‌تواند دستور منع اذیت و آزار را صادر کند: الف) چنانچه شخصی که با دیگری (مخاطب دستور) رابطه خانوادگی، زناشویی یا عاطفی دارد، درخواست صدور حکم منع اذیت و آزار نماید؛ خواه این درخواست در جریان رسیدگی به سایر دعاوی خانوادگی مطرح شده باشد یا اینکه به صورت مستقل از هر دعاوی دیگری مطرح شده باشد. در چنین شرایطی دادگاه می‌تواند به این درخواست رسیدگی کند.

19. Family Law Act 1996



ب) در هر دعوای خانوادگی که مخاطب دستور منع آزار یکی از طرفین آن باشد، دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوا می‌تواند جهت حفظ حقوق و مصالح طرفین دعوا یا کودکانی که تحت تأثیر رفتار شخص آزاردهنده قرار دارند، بدون نیاز به درخواست صریح یکی از طرفین دعوا، دستور منع آزار صادر نماید.

ماده‌ی (۳) ۴۲ این قانون به تشریح منظور خود از عبارت «دعوی خانوادگی» در قسمت (ب) از ماده‌ی (۲) ۴۲ پرداخته است. این ماده مقرر می‌دارد: «در بند (ب)، عبارت «دعوی خانوادگی» ناظر بر کلیه دعوای است که در آن‌ها دادگاه، مطابق ماده ۴۴ قانون کودکان ۱۹۸۹^{۲۰}، دستور حفاظت اضطراری^{۲۱} صادر نموده باشد. این دستور، که به موجب ماده‌ی (۳) ۴۴(ا) قانون اخیرالذکر شامل اجبار به ترک محل سکونت می‌شود، ماهیتی حفاظتی و پیشگیرانه دارد و به منظور جلوگیری از وقوع بزه یا تکرار آن، به ویژه در مواردی که امنیت کودک یا یکی از اعضای خانواده در خطر باشد، صادر می‌گردد.

به موجب ماده‌ی (۵) ۴۲، دادگاه صادرکننده دستور منع آزار در هنگام صدور این دستور، ضمن در نظر گرفتن کلیه جوانب امر، باید به صورت خاص و ویژه تأمین سلامت، ایمنی و رفاه متقاضی دستور و هر کودک مرتبط با خانواده‌ی مربوطه را در نظر گیرد.

طبق ماده‌ی (۶) ۴۲، دستور منع آزار می‌تواند به صورت عام یا خاص، اعمال ممنوعه را مشخص سازد. در واقع، این حکم می‌تواند شامل کلیه رفتارهای آزاردهنده باشد یا به رفتارهای آزاردهنده خاص محدود شود.

ماده‌ی (۸) ۴۲ مقرر می‌دارد دستور منع آزاری که در جریان رسیدگی به یک دعوای خانوادگی صادر شده است، تا زمان جریانی بودن آن دعوا جاری است و در صورت انتقای

20. Children Act 1989

21. Emergency protection order (EPO)

- «دستور حفاظت اضطراری» نوعی دستور قضایی فوری است که توسط دادگاه برای حفاظت از شخص در برابر تهدیدهای فوری و جدی به خشونت، سوءاستفاده یا اذیت صادر می‌شود. این دستور معمولاً زمانی صادر می‌شود که بزه‌دیده یا شخص در معرض خطر، نیاز به حمایت فوری دارد و خطر آسیب جدی و فوری وجود دارد.



دعوا، منقضی خواهد شد.

طبق ماده‌ی (۱) ۴۲A نقض دستور منع آزار، جرم محسوب می‌شود. شرط داشتن مسئولیت کیفری، برای ناقض دستور، به موجب ماده‌ی (۲) ۴۲A آگاهی شخص از وجود دستور است. به موجب ماده‌ی (۵) ۴۲A مجازات جرم نافرمانی از دستور منع مزاحمت، می‌تواند حسب مورد حبس یا جزای نقدی باشد.

در سال ۲۰۲۱ در انگلستان قانونی تحت عنوان قانون آزار و اذیت^{۲۲} خانگی تصویب شد و دامنه‌ی حمایت بیشتر از قربانیان خشونت و آزار خانگی ایجاد کرد. در این قانون دستوری تحت عنوان «دستورات حفاظتی در برابر آزار و اذیت خانگی»^{۲۳} پیش‌بینی شده است که از نظر هدف، مخاطبان، محتوا، مرجع صدور و جرم محسوب شدن نافرمانی از دستور، با دستور منع آزار تشابه دارد. اما این دستورات در دامنه‌ی پوشش، تعریف آزار و اذیت و میزان جواز مشارکت قربانیان با یکدیگر تفاوت دارند. این دستورات روابط بیشتری از جمله روابط همجنس‌گرایی را نیز در بر می‌گیرد. با این حال، برخی از اقسام دستورات منع آزار و اذیت به قوت خود باقی هستند و توسط قانون سال ۲۰۲۱ نسخ نشده‌اند. در حقوق کیفری کشور آمریکا دستوری تحت عنوان دستور منع آزار و اذیت پیش‌بینی نشده است، لیکن دستورات حفاظتی در برابر خشونت خانگی^{۲۴} در قانون آمریکا پیش‌بینی شده‌اند (Goldfarb, 2007: 1507). مشابه دستورات فوق‌الذکر، با اندک تفاوت‌هایی در قانون کشور استرالیا نیز دستوراتی تحت عنوان «دستورات مداخله» پیش‌بینی شده است. (Reeves, 2022: 207) با این حال در کشور ایران، قانون جامعی که چنین دستوراتی را پیش‌بینی کرده باشد به چشم نمی‌خورد.

۳. پیامدهای کاربست دستور منع آزار در سیاست جنایی

دستور منع آزار و اذیت از زمره دستورات پیش‌گیرنده‌ی مدنی هستند، فلذا فلسفه‌ی ایجاد

22. Domestic Abuse Act 2021

23. Domestic Abuse Protection Orders (DAPOs)

24. Domestic Violence Protective Orders (DVPOs)



سیاست‌های مبتنی بر دستور منع آزار و دستورات پیش‌گیرنده‌ی مدنی در کلی‌ترین حالت ممکن، یکسان تلقی می‌شود. به همین دلیل از زمره مبانی دستور منع آزار و اذیت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. به دفاع پیش‌دستانه^{۲۵} از جامعه از طریق مقابله با جرم پیش از ارتکاب آن^{۲۶} (Zedner, 2010: 23) با هدف پیش‌گیری از جرایم احتمالی (Donkin, 2013: 3)؛

۲. حفاظت عمومی از شهروندان از طریق تحدید حرکت افراد خطرناک بالقوه و افزایش نظارت بر آن‌ها (Ashworth & Zedner, 2008: 37)؛

۳. گسترش شبکه‌های کنترل اجتماعی از طریق مداخله دولتی بدون جرم‌انگاری (Heap et al., 2022: 318) به عنوان بخشی از گسترش شبکه‌ی کیفری^{۲۷}. اصطلاح گسترش شبکه یا تور کیفری یک اصطلاح دقیق و نهادی مورد نقد از حیث تشدید تمامیت‌خواهی سیاست جنایی است و به گسترش غیرمنتظره و ناخواسته دامنه‌ی کنترل نظام کیفری بر افراد جامعه اشاره دارد، به ویژه زمانی که اصلاحات یا سیاست‌های جدید با هدف کاهش مجازات‌ها یا کاهش جمعیت زندان‌ها اجرا می‌شوند، اما در عمل منجر به تحت نظارت قرار گرفتن افراد بیشتری توسط سیستم قضایی و انتظامی می‌شوند (Cohen, 1991: 137-138)؛

۴. خطرزدایی حداکثری از رفتارهای مخاطره‌آمیز با رویکرد گزینش مبتنی بر عدالت سنجشی^{۲۸} (Methven & Carter, 2016: 229 & 233)؛

۵. افزایش سرعت پاسخ‌دهی به رفتارهای بزهکارانه (Ashworth & Zedner, 2014 [A]: 78).
کاربست دستورات منع آزار در سیاست جنایی می‌تواند مزایا و معایبی را به دنبال داشته باشد. در ادامه به بیان پیامدهای کاربردی این دستورات در سیاست جنایی خواهیم پرداخت.

25. Pre-emptive self defense

26. Pre-crime

27. Criminal Net Widening

28. Actuarial Justice



۳-۱) مزایا

از زمره مزایای آن می‌توان به محافظت از قربانیان (Speed, 2021: 71; Stoeve, 2014: 1017)، پیش‌گیری اولیه از خشونت خانگی و ارتکاب جرم جدی‌تر (Speed & Richardson, 2022: 184)، پیش‌گیری از تکرار جرم یا تکرار خشونت خانگی (Bates & Hester, 2020: 135) و افزایش امنیت در بستر خانواده (Burton, 2009: 115)، ترویج فرهنگ عدم خشونت، بازدارندگی، کاهش حجم کاری پلیس و دادگاه‌ها، کاهش هزینه‌های اجتماعی و غیره اشاره کرد. برخی از این مزایا به شرح ذیل تشریح می‌گردند.

۳-۱-۱) محافظت از قربانی (زوجین یا فرزندان)

در رویه‌ی قضایی مشاهده می‌شود که در صورت طرح شکایت جرایم علیه تمامیت جسمانی و جرایم علیه تمامیت معنوی از جمله شکایت ایراد صدمه‌ی بدنی عمدی، توهین، تهدید و سایر شکایت‌های مشابه، در بسیاری از مواقع اثبات موضوع با مشکل مواجه می‌شود؛ زیرا این جرایم در بستر خانواده ارتکاب یافته و ادله‌ی اثبات کافی در خصوص اثبات آن وجود ندارد. از طرفی با توجه به اینکه معمولاً اختلافات خانوادگی با دعوای تمکین همراه شده و زوج یا زوج به جهت از دست ندادن امتیازات قانونی در معیّت هم زندگی می‌کنند، امکان ایراد صدمه به هر یک از طرفین وجود دارد. همچنین، امکان اینکه هر یک از زوجین به منظور دستیابی به اهداف خود، قصد ابزارگرایی از فرزندان مشترک را داشته باشند نیز وجود دارد. به همین دلیل، سیاست جنایی باید با یک رویکرد افتراقی در چنین شرایطی سازوکارهای لازم به جهت حمایت از اشخاص در معرض آسیب و خطر را داشته باشد. یکی از عللی که در بریتانیا دستورات منع از آزار و اذیت صادر می‌شوند، حفاظت و حمایت از بزه‌دیدگان و اشخاص در معرض آسیب و خطر است (Ogg, 2015: 147). دستور منع آزار از چهار طریق می‌تواند به حفاظت از قربانیان بپردازد؛ اول، از طریق ایجاد محدودیت‌های قانونی مبنی بر ارتباط‌گیری، نزدیک شدن یا تماس شخص متخلف با شخص قربانی (Ashworth & Zedner, 2014 [A]:



91؛ دوم، از طریق ایجاد ضمانت اجرای کیفری و سخت‌گیرانه برای نقض دستورات (Burton, 2009: 110 & 118)؛ سوم، از طریق کاهش مواجهه طرفین با یکدیگر و کاهش احتمال بروز خشونت مجدد از این طریق و چهارم، از طریق اعطای آرامش به قربانیان برای اتخاذ تصمیمات مستقل و بدون ترس.

در یک تقسیم‌بندی می‌توان موارد خشونت خانگی زوجین علیه یکدیگر یا علیه فرزندان را به خشونت‌های روانی یا عاطفی^{۲۹}، جنسی^{۳۰}، اقتصادی^{۳۱}، کلامی^{۳۲} و اجتماعی^{۳۳} تقسیم کرد. خشونت روانی شامل رفتارهایی است که به سلامت روانی و عاطفی فرد آسیب می‌زند، مانند تحقیر، توهین، تهدید و سرزنش مداوم (Walker, 2009: 415). این شکل از خشونت ممکن است آثار ظاهری نداشته باشد اما تأثیرات عمیق و بلندمدتی بر روان فرد دارد. خشونت جنسی شامل هرگونه اجبار به انجام اعمال جنسی بدون رضایت، تجاوز، آزار جنسی یا تحمیل رفتارهای جنسی ناخواسته است (Brownmiller, 1993: 11). خشونت اقتصادی شامل کنترل منابع مالی فرد، ممانعت از دسترسی به پول، اجبار به وابستگی مالی یا محروم کردن فرد از نیازهای ضروری مانند غذا و سرپناه است (Stark, 2007: 15-17). هدف این رفتار معمولاً محدود کردن استقلال اقتصادی قربانی است. خشونت کلامی شامل استفاده از کلمات برای آزار، مانند فحاشی، تمسخر، فریاد زدن یا تهدید کلامی است (Infante & Wigley, 1986: 61-63). خشونت اجتماعی شامل منزوی کردن فرد از جامعه، دوستان یا خانواده، محدود کردن تعاملات اجتماعی یا بدنام کردن فرد در جمع است (Stark, 2007: 18). دستور منع آزار می‌تواند برای هر قسم از این خشونت‌ها راه‌حلی ارائه نماید که منجر به پیش‌گیری از وقوع آن‌ها شود؛ چه این خشونت از جانب زوج علیه زوجه رخ دهد یا از جانب زوجه علیه زوج یا از جانب هر یک از این دو علیه فرزندان.

29. Psychological/Emotional Violence

30. Sexual Violence

31. Economic Violence

32. Verbal Violence

33. Social Violence



۳-۱-۲) پیش‌گیری ثانویه و ثالثیه از جرم یا خشونت خانگی

پیش‌گیری ثانویه از جرم با تمرکز بر افراد، مکان‌ها و شرایط اجتماعی که در معرض خطر بالای جرم هستند، سعی در جلوگیری از ارتکاب جرم توسط آن افراد، در آن مکان‌ها یا در آن شرایط اجتماعی است (Andresen & Jenion, 2008: 164). پیش‌گیری ثالثیه^{۳۴} از جرم بر خلاف پیش‌گیری اولیه^{۳۵} و ثانویه^{۳۶}، بر پیش‌گیری از تکرار جرم توسط بزهکار سابق تمرکز دارد (عظیم‌زاده و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۸: ۲۰۲). در دستورات منع آزار با ایجاد شرایط و وضعیت خاص برای اشخاصی که در معرض ایراد آسیب به سایر افراد خانواده قرار دارند و یا سابقاً یک مرتبه مرتکب این رفتار شده‌اند، سعی در پیش‌گیری ثانویه یا ثالثیه از ارتکاب جرم، ایراد آسیب یا خشونت خانگی می‌شود. این دستورات علی‌الاصول در مواقع خشونت خانگی و در مواقعی که شریک در خانواده احساس ناامنی می‌کند مورد استفاده قرار می‌گیرد (Hester et al., 2008: 19-21). البته باید دقت داشت که این دستورها نه تنها درصدد تأمین امنیت ذهنی، بلکه درصدد پیش‌گیری از خطر عینی قریب‌الوقوع نیز هستند (Ashworth & Zedner, 2014 [A]: 91). نتیجه‌ی برخی تحقیقات کمی نشان داده است که این دستورات در کاهش خشونت علیه زوجین یا فرزندان مؤثر بوده است (Edwards, 2001: 187).

۳-۱-۳) افزایش امنیت

امنیت یکی از مهم‌ترین نیازهای انسانی است. کارکرد اصلی دستور منع آزار، تضمین حمایت از بزه‌دیده از طریق محدود کردن قانونی تماس یا ارتباط شخص آزاردهنده یا در معرض ایراد آسیب یا آزار به زوجین یا فرزندان است (Gilmore & Glennon, 2020: 136; Burton, 2009: 117). علاوه بر این، از آنجا که قانون برای نقض این دستور ضمانت اجرای کیفری

34. Tertiary prevention

35. Primary crime prevention

36. Secondary crime prevention



تعیین کرده است، با توجه به نظریه‌ی انتخاب عقلایی^{۳۷} (Cornish & Clarke, 1989: 103)، هزینه‌های ارتکاب رفتار آسیب‌رسان را نسبت به منافع و عایدی آن افزایش داده و کفه‌ی ترازو به سمت هزینه‌ها سنگینی خواهد کرد. این دو موضوع موجب خواهد شد بستر امنیت اشخاص در معرض خطر بزه‌دیدگی، بیش از پیش فراهم شود.

۳-۱-۴) بازدارندگی

بازدارندگی^{۳۸}، به معنای جلوگیری از ارتکاب جرم از طریق ایجاد ترس و هراس (ارعاب) در افراد نسبت به عواقب ارتکاب جرم است (اردبیلی، ۱۳۹۹: ۲۷). هرچند گری بکر^{۳۹} در رویکرد اقتصادی خود به جرم، معتقد است بازدارندگی، چه عام و چه خاص، از طریق اعمال مجازات واقع خواهد شد (Becker, 1968: 180-185)، لیکن باید دقت داشت که بازدارندگی منحصر در ابزار مجازات نیست و می‌توان از طرق دیگر نیز نسبت به این مهم اقدام نمود (ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۳۸). دستور منع آزار یکی از روش‌هایی است که می‌تواند بازدارندگی را تضمین کند. این دستور از طریق ایجاد ترس و هراس در اشخاص در معرض ایراد آسیب به دیگران، کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم از طریق کاهش سطح تماس و برخورد بین زوجین با یکدیگر یا با کودک و افزایش نظارت اجتماعی بر شخص در معرض ایراد آسیب، می‌تواند منجر به بازدارندگی از ارتکاب جرم شود.

۳-۱-۵) کاهش حجم کاری مراجع انتظامی و قضایی

با توجه به ظهور رویکرد مدیریت دولتی نوین^{۴۰} در دادگستری در دهه ۸۰ در کشور ایران (آقابائی طاقانکی و فرجیها، ۱۴۰۴: ۱۲)، تخصیص منابع انسانی و تجهیزات به جرایم جدی‌تر

37. Rational choice theory

38. Deterrence

39. Gary S. Becker

40. New Public Management (NPM)



پراهمیت‌تر شد. زیرا این نگرش به دادگستری معتقد است که دادگستری، به عنوان یک سازمان حاکمیتی، هیچ تفاوتی با یک شرکت خصوصی ندارد (Lane, 2002: 7) و همان‌طور که در یک شرکت خصوصی، با کم‌ترین منابع مالی و نیروی کار انسانی به دنبال بیش‌ترین خروجی هستیم، در دادگستری نیز علی‌رغم محدودیت منابع باید بیش‌ترین و بهترین خروجی حاصل شود (Buffet et al., 2019: 2). دستور منع آزار می‌تواند از طریق پیش‌گیری از ارتکاب جرم و خشونت در بستر خانواده این هدف را تأمین کند. پیش‌گیری ناشی از دستور منع آزار می‌تواند موجب کاهش سطح مراجعات و تماس با مراجع انتظامی و قضایی شود و منجر به کاهش پرونده‌های قضایی گردد.

۳-۱-۶ کاهش هزینه‌های اجتماعی

یکی از فوائد دستور منع آزار افزایش سطح امنیت جسمی یا روانی بیان شد. این موضوع منجر به کاهش هزینه‌های درمانی و افزایش بازدهی اشخاص در محیط‌های اجتماعی خواهد شد. اشخاصی که از نظر روانی در سلامتی به سر می‌برند از نظر کارآیی در محیط‌های اجتماعی همچون محل کار، از سایرین عملکرد بهتری خواهند داشت. همچنین این موضوع موجب جلوگیری از ایراد آسیب‌های روانی به فرزندان هم خواهد شد و این امر نیز همان‌طور که در جرم‌شناسی رشدمدار^{۴۱} مورد بحث قرار می‌گیرد، موجب پیش‌گیری از بزهکاری‌های اطفال و نوجوانان خواهد شد. از طرفی، دستور منع آزار به پیش‌گیری از ارتکاب جرم و کاهش پرونده‌های قضایی، در هزینه‌های رسیدگی به اختلافات ناشی از خشونت خانگی یا ارتکاب برخی از رفتارهای آسیب‌رسان صرفه‌جویی خواهد نمود.

۳-۲ معایب

کاربست این دستورات می‌تواند مزایا و معایبی را در پی داشته باشد. با بررسی این مزایا و

41. Developmental Criminology



معایب می‌توان نتیجه گرفت کاربست سیاست‌های مربوط به دستورات منع آزار چه پیامدهایی را برای کشور ایران در پی خواهد داشت. از این طریق می‌توان به امکان‌سنجی کاربست این دستورات پرداخت.

۱-۲-۳) تخدیش اصل برائت

به موجب اصل برائت یا فرض بی‌گناهی^{۴۲}، تا زمانی که جرمی به اثبات نرسیده باشد، امکان اعمال مجازات بر شخص وجود ندارد. اعمال محدودیت‌ها و تنبیه شخص از طریق اعمال آن‌ها مجازات محسوب می‌شود. نظام پیش‌گیرنده‌ی مدنی، از طریق اعمال محدودیت‌ها پیش از اثبات جرم، از اصل برائت طفره می‌رود (Ashworth, 2006: 63). در یک نظم حقوقی لیبرال (آزادی‌محور)، هر شخص به صرف انسان بودن حق دارد که بی‌گناه فرض شود (Stewart, 407: 2014). این در حالی است که دستور منع آزار، قبل از اینکه جرمی ثابت شود، محدودیت‌هایی را بر شخص بار می‌کند. شاید این محدودیت‌ها کیفر^{۴۳} محسوب نشده و به صورت مستقیم این اصل را نقض نکند، لیکن با تنبیه و مجازات^{۴۴} این اصل به صورت غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ مخصوصاً اینکه برای صدور دستورات منع آزار در دادگاه خانواده، استانداردهای ضعیف‌تری از استانداردهای مربوط به رسیدگی به ادله‌ی اثبات یک دعوای کیفری نیاز است (Ogg, 2015: 137-138). اشخاصی که متهم یا مظنون به جنایت هستند نباید با کسانی که گناه آن‌ها به طور رسمی ثابت شده است برابر پنداشته شوند. در دستور منع آزار به ظن اینکه شخص در آینده قرار است مرتکب جرم شود، مخاطب دستور و محدودیت قرار می‌گیرد و این یعنی تخطی از اصل برائت.

42. Presumption of Innocence

43. Penal

44. Punishment



۳-۲-۲) تحدید آزادی‌ها و حقوق بنیادین اشخاص

رعایت حقوق و آزادی‌های بنیادین اشخاص چه در اسناد بین‌المللی و چه در قوانین و مقررات داخلی مورد تأکید قرار گرفته است. این مهم از جمله در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد اشاره قرار گرفته است. دستور منع آزار با توجه به اینکه آزادی‌های مخاطب دستور را محدود می‌کند، مضرّ به نظر می‌رسد (Waldron, 2003: 209). در دستور منع آزار، شخص مخاطب دستور، از یک رفتار اعم از فعل یا ترک فعل منع می‌شود تا از این طریق دستگاه قضایی بتواند نسبت به ارتکاب جرایمی همچون خشونت خانگی پیش‌گیری نماید.

۳-۲-۳) نقض تضمینات دادرسی عادلانه

دیوان اروپایی حقوق بشر با ایجاد مفهوم قلمرو کیفری^{۴۵}، این نکته را یادآور شده است که کلیه اقدامات غیرکیفری ولی قهرآمیز که خارج از حقوق کیفری در سیاست جنایی هر کشور اعمال می‌شوند، باید تحت تضمینات حقوق کیفری اعم از شکلی و ماهوی، اعمال شوند (Gless, 2013: 93; Lagoutte, 2005: 175). هر نوع پاسخ تنبیهی و تحدیدی باید تحت لوای تضمینات عدالت کیفری داده شود (Nickel, 2013: 173-174). دستور منع آزار، یک سازوکار پیش‌گیرنده‌ی دو مرحله‌ای است که در مرحله‌ی اول، یک محدودیت را در قالب یک دستور بر شخص بار نموده و ضمانت اجرای آن را یک پاسخ کیفری و سرکوب‌گر قرار داده است. این دستور توسط دادگاه مدنی (خانواده) صادر می‌شود و تضمینات مربوط به دادرسی عادلانه را به صورت تمام و کمال رعایت نمی‌کند.



۴. نتیجه‌گیری

یکی از مناقشه‌برانگیزترین دوگانه‌های تاریخ حقوق کیفری، دوگانه‌ی امنیت و آزادی است. برخی حاکمیت‌ها به بهانه‌ی امنیت بیشتر شهروندان، آزادی‌ها را محدودتر می‌کنند. دستورات پیش‌گیرنده‌ی مدنی یکی از خط‌مشی‌هایی است که سیاست‌گذاران با کاربرست آن به منظور تأمین امنیت، برخی از آزادی‌های اشخاص را محدود نموده‌اند. از زمره مهم‌ترین دستورات پیش‌گیرنده‌ی مدنی که در بریتانیا مورد استفاده قرار می‌گیرد، دستور منع آزار و اذیت است. این دستور به جهت پیش‌گیری از جرایم و خشونت‌های خانگی صادر می‌شود. در مرحله‌ی اول صرفاً یک دستور مدنی محسوب شده، ولی در مرحله‌ی دوم در صورت نقض، ضمانت اجرای کیفری را در پی خواهد داشت. این دستورات علاوه بر بازدارندگی و پیش‌گیرندگی می‌توانند در ایجاد امنیت عینی یا ذهنی نیز مؤثر بوده و حجم کاری مراجع قضایی و انتظامی را نیز کاهش دهند. با این حال، این دستورات برخی پیامدهای منفی از جمله نقض غیرمستقیم اصل برائت، نقض حقوق و آزادی‌های بنیادین اشخاص و نقض تضمینات دادرسی عادلانه را نیز در پی داشته و از این طریق حقوق کیفری را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند.

در کشور ایران علی‌رغم آگاهی عمومی نسبت به آسیب‌ها و پیامدهای جرایم و خشونت‌های خانگی، سیاست‌گذاران جنایی قوانین و مقررات کافی و کارآمد برای مقابله با این پدیده را تصویب نکرده‌اند. اگرچه قوانینی مانند قانون حمایت خانواده و قانون مجازات اسلامی برخی از جنبه‌های خشونت خانگی را پوشش می‌دهند، اما این قوانین به تنهایی برای مقابله با آن کافی به نظر نمی‌رسند. از آنجایی که سیاست کیفری ایران در قبال بسیاری از جرایمی که در بستر خانواده ارتکاب می‌یابند، علی‌الخصوص از حیث اثبات‌پذیری ناکارآمد به نظر می‌رسد، کاربرست این دستورات مفید به نظر می‌آید. علاوه بر پیامدهای منفی فوق‌الذکر، برای کاربرست این دستورات در کشور ایران باید چالش‌های عدم وجود قانون جامع، عدم آگاهی عمومی نسبت به این دستورات، کمبود منابع، عدم حمایت کافی از قربانیان خشونت خانگی، فقدان سازوکارهای بازتوانی مرتکبان جرایم و خشونت‌های خانگی، وجود نگرش‌های خاص سنتی و فرهنگی به مسئله‌ی خشونت خانگی و نقش زن و فرزند در خانواده، احتمال افزایش تنش بین



اعضای خانواده در اثر عداوت ناشی از ایجاد محدودیت‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفته و رفع کردند.

به منظور رفع چالش‌های موجود می‌توان از پیشنهادهای ذیل کمک گرفت:

۱- پیش‌بینی نهاد مشابه با دستور منع آزار در قوانین کشور ایران به نحوی که پیامدهای فوق‌الذکر به حداقل برسند.

۲- تأسیس شعب قضایی تخصصی در دادگاه‌های خانواده یا کیفری برای بررسی سریع درخواست‌های دستورهای منع آزار موقت.

۳- طراحی سامانه ثبت و نظارت الکترونیکی برای رصد فرآیند صدور و اجرای دستورهای منع آزار، با قابلیت اتصال به پایگاه داده‌های پلیس و مراکز مددکاری، به منظور افزایش هماهنگی و پاسخ‌گویی سریع به نقض دستورها.

۴- اجرای برنامه‌های آزمایشی در شهرهای منتخب برای ارزیابی عملیاتی دستورهای منع آزار، شامل آموزش قضات و مأموران انتظامی، ایجاد مراکز مشاوره تخصصی و سنجش نتایج با معیارهای مشخص مانند نرخ کاهش خشونت.

۵- تدوین آیین‌نامه اجرایی برای تعیین وظایف دقیق نهادهای قضایی، انتظامی و مددکاری در فرآیند صدور و اجرای دستورهای منع آزار، با الهام از چهارچوب‌های قانون سوءاستفاده خانگی ۲۰۲۱ انگلستان، به منظور تقویت هماهنگی بین‌نهادی.

۶- ایجاد واحد تحقیقاتی برای ارزیابی مستمر اثربخشی دستورهای منع آزار با رویکرد داده‌محور، با تمرکز بر معیارهایی مانند نرخ عود خشونت و میزان رضایت قربانیان، به منظور ارائه گزارش‌های دوره‌ای و اصلاح سیاست‌های اجرایی.

۵. منابع

۱-۵) منابع فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. ابراهیمی، شهرام (۱۴۰۳). جرم‌شناسی پیش‌گیری، تهران، میزان، جلد اول.



۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۹). کلیات حقوق جزا، تهران، میزان.
۳. عظیم‌زاده، شادی و گلاویژ شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۸). کمک حافظه بایسته‌های جرم‌شناسی (از مبانی تا نظریه‌ها)، تهران، دوران‌دانشان.

ب) مقالات

۴. آقابائی طاقانکی، عظیم و محمد فرجیها (۱۴۰۴). «سامانه‌ی عدالت جنایی در چنبره‌ی سامانه‌ی مدیریت پرونده (سمپ)»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۲۰-۷.
۵. اسماعیلی، محمد (۱۳۹۶). «عدالت پیش‌گیرنده: مهار جرم در بستر نظام حقوقی»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۳۲۶-۲۹۷.
۶. ابراهیمی، شهرام (۱۳۸۷). «بازدارندگی از منظر حقوقی و جرم‌شناسی». کارآگاه، دوره ۲، شماره ۵، صص ۵۱-۳۳.
۷. اکرمی، روح‌الله و آیت‌الله جلیلی (۱۴۰۰). «رویکرد پیشگیرانه سیاست جنایی کشورهای حوزه خلیج فارس در عرصه تعارض منافع». پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۵، شماره ۲، صص ۴۹-۲۵.
۸. دادمهری، سید مهدی (۱۳۹۴). «امکان‌سنجی پذیرش نظریه «شخصیت حقوقی خانواده» در حقوق ایران، کشورهای اسلامی، غرب و فقه اسلام»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۹، شماره ۳، صص ۲۲-۱.

۵-۲) منابع غیرفارسی

A) Books

9. Angus, C. (2016). *Serious crime prevention orders*, New South Wales, NSW Parliamentary Research Service.
10. Ashworth, A., Zedner, L., & Tomlin, P. (Eds.). (2013). *Prevention and the Limits of the Criminal Law*, Oxford, Oxford University Press.



11. Ashworth, A., & Zedner, L. (2014). *Preventive justice*. Oxford, Oxford University Press. [B]
12. Brownmiller, S. (1993). *Against our will: Men, women and rape*, New York, Ballantine Books.
13. Cohen, S. (1991). *Visions of social control: Crime, punishment and classification*, Cambridge, Polity.
14. Donkin, S. (2013). *Preventing terrorism and controlling risk: A comparative analysis of control orders in the UK and Australia*, New York, Springer Science & Business Media, Volume 1.
15. Lane, J. E. (2002). *New public management: an introduction*, London, Routledge.
16. Moss, D. A. (2004). *When all else fails: Government as the ultimate risk manager*, Cambridge, Massachusetts, Harvard University Press.
17. Ogg, J. (2015). *Preventive justice and the power of policy transfer*. Berlin: Springer.
18. Ramsay, P. (2012). *The insecurity state: vulnerable autonomy and the right to security in the criminal law*, Oxford University Press.
19. Stark, E. (2007). *Coercive control: How men entrap women in personal life*, Oxford University Press.
20. Walker, L. E. A. (2009). *The battered woman syndrome*, Springer Publishing Company, 3rd edition.

B) Articles

21. Andresen, M. A., & Jenion, G. W. (2008). "Crime prevention and the science of where people are", *Criminal Justice Policy Review*, 19(2), 164-180.
22. Ashworth, A. (2006). "Four threats to the presumption of innocence", *South African law journal*, 123(1), 63-97.
23. Ashworth, A., & Zedner, L. (2008). "Defending the criminal law: Reflections on the changing character of crime, procedure, and sanctions", *Criminal Law and Philosophy*, 2(1), 21-51.
24. Ashworth, A., & Zedner, L. (2010). "Preventive orders: A problem of under-



- criminalization", *The boundaries of the criminal law*, 59-87.
25. Ashworth, A., & Zedner, L. (2012). "Prevention and criminalization: Justifications and limits", *New Criminal Law Review: An International and Interdisciplinary Journal*, 15(4), 542-571.
 26. Ashworth, A., & Zedner, L. (2013). "Preventive Orders and the Rule of Law", in: Baker, D. & Horder, J. (eds.), *The Sanctity of Life and the Criminal Law*, Cambridge, Cambridge University Press, 45-68.
 27. Ashworth, A., & Zedner, L. (2014). "Civil Preventive Orders", In: *Preventive justice*, Oxford University Press, 74-94. [A]
 28. Barry, J., & Liddon, L. (2020). "Child contact problems and family court issues are related to chronic mental health problems for men following family breakdown", *Psychreg Journal of Psychology*, 4(3), 57-66.
 29. Bates, L., & Hester, M. (2020). "No longer a civil matter? The design and use of protection orders for domestic violence in England and Wales", *Journal of Social Welfare and Family Law*, 42(2), 133-153.
 30. Becker, G. S. (1968). Crime and punishment: An economic approach, *Journal of political economy*, 76(2), 169-217.
 31. Buffet, M., & Camus, C., & Rigal, A. (2019). "Performance vs Ethics: An Impossible Challenge for Today's Judges?", *The European Judicial Training Network*, Themis Competition Semi-Final D: Judicial Ethics and Professional Conduct, Sofia, Bulgaria, 1-21. available at: <https://portal.ejtn.eu/PageFiles/17916/TEAM%20FRANCE%20TH%202019%20D.pdf>
 32. Burton, M. (2009). "Civil law remedies for domestic violence: why are applications for non-molestation orders declining? Research Article", *Journal of social welfare and family law*, 31(2), 109-120.
 33. Connelly, C., & Cavanagh, K. (2007). "Domestic abuse, civil protection orders and thenew criminologies': is there any value in engaging with the law?", *Feminist Legal Studies*, 15(3), 259-287.
 34. Cornish, D. B., & Clarke, R. V. (1989). "Crime specialisation, crime displacement



- and rational choice theory", In: Wegener, H., Lösel, F., & Haisch, J. (Eds.), *Criminal behavior and the justice system: Psychological perspectives*, Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg, 103-117.
35. Edwards, S. (2001). "Domestic violence and harassment: an assessment of the civil remedies", *What Works in reducing domestic violence*, 187-210.
 36. Ferzan, K. K. (2014). "Preventive justice and the presumption of innocence", *Criminal Law and Philosophy*, 8(2), 505-525.
 37. Gilmore, S., & Glennon, L. (2020). "Protection from domestic abuse and occupation of the family home", In: Hayes, M., & Williams, C., *Hayes & Williams' Family Law*, New York, Oxford University Press, 108-186.
 38. Gless, S. (2013). "Transnational cooperation in criminal matters and the guarantee of a fair trial: approaches to a general principle", *Utrecht Law Review*, 9(4), 90-108.
 39. Goldfarb, S. F. (2007). "Reconceiving civil protection orders for domestic violence: Can law help end the abuse without ending the relationship", *Cardozo L. Rev.*, 29, 1487-1551.
 40. Heap, V., Black, A., & Rodgers, Z. (2022). "Preventive justice: Exploring the coercive power of community protection notices to tackle anti-social behavior", *Punishment & Society*, 24(3), 305-323.
 41. Infante, D. A., & Wigley III, C. J. (1986). "Verbal aggressiveness: An interpersonal model and measure", *Communications Monographs*, 53(1), 61-69.
 42. Lagoutte, S. (2005). "Fair Trial and Defence Rights in Criminal Matters: An Introduction", *CLR*, 20, 159-175.
 43. Methven, E., & Carter, D. (2016). "Serious crime prevention orders", *Current Issues in Criminal Justice*, 28(2), 227-238.
 44. Matravers, M. (2013). "On preventive justice", In: Ashworth, A., Zedner, L., & Tomlin, P. (Eds.), *Prevention and the Limits of the Criminal Law*, New York, Oxford University Press, 235-251.
 45. Nickel, J. W. (2013). "Restraining Orders, Liberty, and Due Process", *Prevention and the Limits of the Criminal Law*, 156-177.
 46. Reeves, E. (2022). "The potential introduction of police-issued family violence



- intervention orders in Victoria, Australia: Considering the unintended consequences", *Current issues in criminal justice*, 34(2), 207-218.
47. Rodgers, Z. (2023). "Understanding the policing practices associated with civil preventive orders and notices in England and Wales to regulate the conduct of society's perceived deviant others: A systematic review", *Policing: A journal of policy and practice*, 17, 1-23.
 48. Sendall, J. (2014). "Protection under the Family Law Act 1996: Non-Molestation Orders", In: *Family law handbook*, New York, Oxford University Press, 358-367.
 49. Slobogin, Ch. (2023). "Preventive Justice", in: DeMatteo, D. & Scherr, K. C. (eds), *The Oxford Handbook of Psychology and Law*, Oxford, 36-55.
 50. Speed, A. (2021). "Clinical legal education as an effective tool for improving the accessibility of protective injunctions for victims of domestic abuse: a case study example of the models of support available at northumbria university", *Int'l J. Clinical Legal Educ*, 28, 66-116.
 51. Speed, A., & Richardson, K. (2022). "Should I Stay or Should I Go Now? If I Go There will be Trouble and if I Stay it will be Double': An Examination into the Present and Future of Protective Orders Regulating the Family Home in England and Wales", *The journal of criminal law*, 86(3), 179-205.
 52. Stewart, H. (2014). "The right to be presumed innocent", *Criminal Law and Philosophy*, 8(2), 407-420.
 53. Stoeve, J. K. (2014). "Enjoining abuse: The case for indefinite domestic violence protection orders", *Vand. L. Rev.*, 67, 1015-1097.
 54. Tucker, J. S., Friedman, H. S., Schwartz, J. E., Criqui, M. H., Tomlinson-Keasey, C., Wingard, D. L., & Martin, L. R. (1997). "Parental divorce: effects on individual behavior and longevity", *Journal of personality and social psychology*, 73(2), 381-391.
 55. Tulich, T., Murray, S., & Skead, N. (2021). "Antipodean perspectives on preventive justice: The high court and serious crime prevention orders", *Griffith Law Review*, 30(2), 211-239.
 56. Waldron, J. (2003). "Security and liberty: The image of balance", *Journal of*



Political Philosophy, 11(2), 191-210.

57. Zedner, L. (2010). "Pre-crime and pre-punishment: a health warning: Lucia Zedner calls for restraint", *Criminal Justice Matters*, 81(1), 24-25

C) Dissertations

58. Hulme, M. (2021). **Preventive Justice: Law, Theory and Practice**, Doctoral dissertation, University of York.

D) Reports

59. Hester, M., Westmarland, N., Pearce, J., & Williamson, E. (2008). Early evaluation of the Domestic Violence, Crime and Victims Act 2004.

[In Persian]:

A) Books

60. Ardebili, M. A. (2020). *General principles of criminal law*, Tehran: Mizan.
61. Azimzadeh, Sh., & Sheikh al-Eslami, G. (2019). *Memory aid for essentials of criminology (from fundamentals to theories)*, Tehran: Dorandishan.
62. Ebrahimi, Sh. (2024). *Criminology of prevention of crime*, Tehran: Mizan, Vol. 1.

B) Articles

63. Aghababaei Taghanaki, A. and Farajiha, M. (2024). "Criminal justice system in the torus of the case management system (CMS)", *Criminal Law Research*, 16(1), 7-20. doi: 10.22124/jol.2024.27252.2466
64. Akrami, R., and Jalili, A. (2021). "Preventive approach of criminal policy of Persian Gulf countries in the field of conflict of interest", *CLR*, 25(2), 25-49.
65. Dadamrazi, S. M. (2015). "Feasibility of the Theory of Legal Personality of the Family in the Iranian Law, Islamic Countries, the West and Islamic Jurisprudence", *CLR*, 19(3), 1-22.
66. Ebrahimi, Sh. (2008). "Deterrence from the perspective of law and criminology", *Karagah*, 2(5), 33-51.



67. Esmaeili, M. (2018). "Preventive justice: controlling crime through the legal system", *Criminal law and Criminology Studies*, 4(2), 297-326. doi: 10.22059/jqclcs.2018.239944.1232

